

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)

سال دوازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۸۱

شناسایی عوامل خطر و پیش‌بینی احتمال ناسازگاری در ازدواج

دکتر حسین مولوی*

چکیده

در این تحقیق شناسایی عوامل خطر و پیش‌بینی سازگاری در ازدواج و هم‌چنین مقایسه عوامل شخصیتی و جمعیت‌شناختی زوج‌های سازگار و ناسازگار مدنظر بوده است. به این منظور ۴۰ زوج سازگار و ۴۰ زوج ناسازگار که به مجتمع قضایی خانواده در تهران مراجعه کرده بودند، انتخاب گردید و پرسشنامه‌های مشکلات زناشویی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی به آنها داده شد. ضریب همبستگی بین نمرات زن و شوهر در هر یک از پاره‌آزمون‌های پرسشنامه مشکلات زناشویی نمره سازگاری آن زوج را در آن پاره‌آزمون تشکیل می‌داد. چنین فرض گردید که بین زوج‌های سازگار و ناسازگار با توجه به این مشکلات و ویژگی‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد، نتایج تحلیل

* عضو هیأت علمی گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

بدینوسیله از خانم انسیه نصیب البکاء که جمع‌آوری اطلاعات مربوط به پژوهش را انجام داده و از آقای محسن گل پرور دانشجوی دکترای روانشناسی که ویرایش علمی این مقاله را تقبل نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

واریانس چند متغیری نشان داد میانگین نمرات زوج‌های سازگار در سازگاری در انگیزه ازدواج ($p = ۰/۰۰۷$)، سازگاری جنسی ($p = ۰/۰۰۴$) سازگاری در تصمیم‌گیری ($p = ۰$) تحصیلات شوهر ($p = ۰$)، تحصیلات زن ($p = ۰/۰۰۳$) و شغل شوهر ($p = ۰/۰۰۵$) به طور معنی‌داری بیشتر از میانگین نمرات زوج‌های ناسازگار است. نتایج تحلیل تمایزات نیز نشان داد که همبستگی این متغیرها با عضویت در گروه‌های سازگار و ناسازگار به ترتیب اهمیت به قرار زیر است:

سازگاری در تصمیم‌گیری ($t = ۰/۵۸۳$)، تحصیلات شوهر ($t = ۰/۵۸$)، تحصیلات زن ($t = ۰/۴۶$)، سازگاری در انگیزه ازدواج ($t = ۰/۴۲۵$)، شغل شوهر ($t = ۰/۳۲۳$) و سازگاری جنسی ($t = ۰/۳۲$). در پی تحلیل گام به گام معادله پیش‌بینی عضویت در گروه‌های سازگار و ناسازگار به صورت زیر به دست آمد:

$$y = ۰/۰۶۷ \text{ تحصیلات شوهر} + ۰/۶۷۴ \text{ شغل شوهر} + ۰/۳۸۷ \text{ تحصیلات زن} + ۰/۱۶ - ۴/۹۲ - \text{سازگاری در تصمیم‌گیری} + ۱/۶۲ \text{ سازگاری در انگیزه ازدواج} + ۰/۹۰۴$$

با در دست داشتن نمرات پرسشنامه هر زوج و قرار دادن آن در این معادله، عضویت گروهی آن زوج و احتمال ناسازگار بودن آنها را می‌توان پیش‌بینی کرد. نمرات کل سازگاری زوج‌ها نیز مورد تحلیل تمایزات قرار گرفت و متغیرهای معنی‌دار به ترتیب اهمیت آن در معادله پیش‌بینی به شرح زیر محاسبه گردید:

$$y = ۵/۱ - \text{شغل شوهر} + ۰/۴۲ \text{ تحصیلات زن} + ۰/۱۴ \text{ تحصیلات شوهر} + ۰/۰۵۵ - \text{سازگاری کل} + ۴/۲۱$$

مستقل و گاهی در کنار متغیرهای دیگر بررسی شده، مهم‌ترین تحقیقات داخل و خارج در این باره به صورت اجمالی مرور می‌گردد.

سازگاری در تصمیم‌گیری‌های مشترک: میشل^۱ (۱۹۷۱) با انجام تحقیقی بر روی ۴۵۰ زوج دریافت، زنانی که در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به بودجه، تجهیزات، وسایل و مسکن، تعداد و تحصیلات فرزندان در کنار شوهران‌شان به صورت فعال مشارکت دارند از زندگی خود راضی‌تر هستند. این رضایت در عین حال با قابل تعویض بودن نقش‌های میان زوجین که تصمیم‌گیری مشترک را تسهیل می‌نماید، رابطه زیادی داشته است. اون و اورتر^۲ (۱۹۸۳) نیز با بررسی ۳۳۱ زوج به این نتیجه دست یافته‌اند که افراد ناراضی از زندگی زناشویی کسانی‌اند که شوهران سنتی و زنان غیرسنتی دارند. زنان شاغل به علت استقلال روانی و اقتصادی حق خود می‌دانند که در تصمیم‌گیری‌های خانواده شرکت جویند ولی سنتی بودن شوهران مانعی برای تحقق این خواسته محسوب شده است.

سازگاری در اوقات فراغت: پاریس و لاکی^۳ (۱۹۹۱) تحقیقی در زمینه اوقات فراغت و نقش آن در سازگاری و ناسازگاری زناشویی انجام دادند و پی بردند که یکی از دلایل عدم رضایت همسران در اواسط ازدواج ناشی از عدم گذراندن اوقات فراغت خود با شوهران‌شان بوده است. به گفته پارکی و ساکر (۱۹۹۱) شوهران مخصوصاً در طبقات متوسط، بیشترین اوقات خود را صرف حرفه و کار خویش می‌کنند. بدین ترتیب همسران خود را در حال تربیت فرزندان و خانه‌داری تنها می‌گذارند.

سازگار در روابط جنسی: کوپک، لزللی و دیگران^۴ (۱۹۹۲) کیفیت روابط ۴۷ زوج دارای فرزند و بدون فرزند را بر اساس روابط رضایت‌بخش بین فردی و همچنین روابط جنسی مورد بررسی قرار داده و دریافتند که زوج‌های دارای فرزند از نظر میزان روابط جنسی در سطح رضایت بخشی قرار داشته و بدین ترتیب از سطح بالاتری از رضایت زندگی برخوردار بودند.

1. Michel

2. Owen & Orthner

3. Paris & Lucky

4. Koepke & Leslie. et. al.

سازگاری در روابط بین فردی: فاین برگ و همکاران^۱ (۱۹۷۵) تأثیر متقابل رفتار زوج‌های سازگار و ناسازگار را مقایسه نموده و چنین نتیجه‌گیری نمودند که رفتارهای ارتباطی زوج‌های سازگار بیشتر از زوج‌های ناسازگار بر مبنای گذشت و تکیه بر نکات مثبت طرف مقابل می‌باشد. جان و گاتمن^۲ (۱۹۷۶) بر اساس یافته‌های تحقیقاتی خود متذکر می‌شوند که زوج‌های ناسازگار در برداشت خود از منظور و هدف طرف مقابل (یکی از زوجین) به صورت منفی عمل می‌کنند. در حالی که برای زوج‌های سازگار بین منظور فرستنده و برداشت گیرنده پیام، تفاوت کم و اندکی وجود دارد. به باور جان و گاتمن این تفاوت ممکن است ناشی از آن باشد که رمزخوانی پیام‌ها توسط زوج‌های ناراضی تحت تأثیر تحریف‌شناختی منفی قرار می‌گیرد و بدین ترتیب صرف‌نظر از این که اهداف و منظور فرستنده پیام چه بوده، زوج‌های ناسازگار بیشتر اهداف طرف مقابل را منفی تفسیر می‌کنند. کریستین و همکاران^۳ (۱۹۷۶) در تکرار تحقیق فوق، علاوه بر تأکید یافته‌های جان و گاتمن، می‌افزایند زوج‌های سازگار از توانایی بالاتری برای پیش‌بینی رفتار طرف مقابل خود برخوردارند و لذا در روابط زناشویی نیز موفق‌ترند. آلبرتز^۴ (۱۹۸۹) نیز بر اساس قابلیت پیش‌بینی متغیرهای چندی دریافت که مهارت‌های ارتباطی و راهبردهای حل مسأله به تنهایی قادر است تا سازگاری و یا عدم سازگاری زوجین را پیش‌بینی کند. تحقیقات داخلی چندی نیز در ارتباط با موضوع این پژوهش انجام شده که به نوعی هم‌سو با تحقیقات خارج از کشور است.

ملکی (۱۳۷۶) ویژگی‌های ۶۰ زوج سازگار و ناسازگار از همسران شاهد (که دوباره ازدواج کرده بودند) را بررسی نمود و دریافت که زوجین ناسازگار علاوه بر این که علائم بیشتری از آشفتگی روانی دارند در عین حال همانندی ویژگی‌های روانی و شخصیتی نسبت به زوج‌های سازگار تفاوت بیشتری را دارا می‌باشند. به عبارتی دیگر همانندی ویژگی‌های روانی و شخصیتی نسبت به این که ویژگی‌های زوجین مکمل یکدیگر باشد بر سازگاری تأثیر بیشتری به جای می‌گذارد.

1. Fine Berg et-al
2. John & Gottman
3. Christensen et al.
4. Alberts

بنی اسدی (۱۳۷۵) نیز طی پژوهشی، عوامل فردی، اجتماعی و شخصیتی ۷۰ زوج سازگار را با ۷۰ زوج ناسازگار مورد مقایسه قرار داده است. بر پایه یافته‌های او، زوج‌های سازگار و ناسازگار در تصمیم‌گیری مسائل مشترک، امور مالی، رابطه جنسی، اوقات فراغت، روابط بین فردی، انگیزه‌های ازدواج و اعتقادات مذهبی با یکدیگر تفاوت دارند. به عبارت کلی‌تر زوج‌های سازگار در تمامی متغیرهای یاد شده هماهنگی و رضایت بیشتری را گزارش نموده‌اند.

صدق‌آمیز (۱۳۷۶) در پژوهش خود عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی را در شهر شیراز، در میان ۵۷۷ نفر مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش بین سن زن و شوهر، سن ازدواج، تعداد فرزندان، تفاوت سنی زوجین، تحصیلات مرد، تحصیلات زن، منزلت شغلی مرد، اشتغال زن، ازدواج مجدد زوجین، نحوه آشنایی با همسر، نسبت خویشاوندی با سازگاری زناشویی رابطه معنی‌داری به دست آمده است. صدق‌آمیز بر پایه تحلیل گام به گام انجام شده می‌افزاید تحصیلات مرد، تعداد فرزندان، منزلت شغلی مرد، تفاوت سنی زوجین، به ترتیب اهمیت دارای بالاترین همبستگی با سازگاری زناشویی بوده‌اند.

مروری بر تحقیقات یاد شده نشان می‌دهد که در حیطه‌های گوناگون حل مسأله و تصمیم‌گیری به صورت مشترک، چگونگی گذراندن اوقات فراغت به صورت مشترک، روابط جنسی و... و همچنین ویژگی‌های نظیر تحصیلات، تعداد فرزندان و... زوج‌های سازگار و ناسازگار با یکدیگر دارای تمایزهایی هستند، در عین حال برای درک واقع‌بینانه‌تر سازگاری و ناسازگاری زناشویی ضروری است تا عوامل مربوط به مشکلات زناشویی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زوجین در نظامی یک‌پارچه مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در تحقیق بنی‌اسدی (۱۳۷۵) و سایر تحقیقات به این موضوع پرداخته نشده است. هم‌چنین در هیچ یک از تحقیقات معلوم نگردیده است که متغیرهای مختلف به چه میزان دو گروه سازگار و ناسازگار را از یکدیگر متمایز می‌سازد. این نکته در این تحقیق به وسیله مجذور اتا مشخص گردیده است. مثلاً در جدول ۱ مشاهده می‌شود که دو گروه سازگار و ناسازگار از نظر سازگاری در تصمیم‌گیری به میزان ۱۶ درصد از یکدیگر تفاوت دارند یعنی ۱۶ درصد واریانس نمرات تصمیم‌گیری به وسیله عضویت گروهی تبیین می‌شود. تفاوت دیگر این تحقیق با سایر تحقیقات داخل و خارج این است که برای

اندازه‌گیری میزان سازگاری هر زوج ضریب همبستگی بین نمرات زوجین در سؤالات پاره آزمون اوقات فراغت نمره سازگاری آن زوج را در چگونگی صرف اوقات فراغت تشکیل می‌داد. این روش نمره‌گذاری در هیچ یک از تحقیقات گذشته به کار برده نشده است.

با در نظر گرفتن ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و مشکلات موجود در روابط زناشویی در یک طرح تحقیقاتی یک‌پارچه این پژوهش به دنبال دستیابی به اهداف زیر بوده است:

۱- شناسایی عوامل خطر و پیش‌بینی سازگاری و ناسازگاری در ازدواج بر پایه سازگاری در تصمیم‌گیری در مسائل مشترک، اوقات فراغت، روابط جنسی، روابط بین فردی و انگیزه‌های ازدواج و متغیرهای جمعیت‌شناختی.

۲- مقایسه زوج‌های سازگار و ناسازگار با توجه به تصمیم‌گیری در مسائل مشترک، اوقات فراغت، روابط جنسی، روابط بین فردی و انگیزه‌های ازدواج و هم‌چنین متغیرهای جمعیت‌شناختی. بر همین مبنا نیز فرضیه‌های پژوهش به شکل زیر مطرح گردیده است:

فرضیه ۱: میان میانگین نمرات سازگاری در تصمیم‌گیری دو گروه زوج‌های سازگار و ناسازگار تفاوت معنی‌داری وجود دارد

فرضیه ۲: میان میانگین نمرات سازگاری در انگیزه ازدواج دو گروه زوج‌های سازگار و ناسازگار تفاوت معنی‌داری وجود دارد

فرضیه ۳: میان میانگین نمرات سازگاری در روابط بین فردی دو گروه زوج‌های سازگار و ناسازگار تفاوت معنی‌داری وجود دارد

فرضیه ۴: میان میانگین نمرات سازگاری در روابط جنسی دو گروه زوج‌های سازگار و ناسازگار تفاوت معنی‌داری وجود دارد

فرضیه ۵: میان میانگین نمرات سازگاری در اوقات فراغت دو گروه زوج‌های سازگار و ناسازگار تفاوت معنی‌داری وجود دارد

فرضیه ۶: تفاوت معنی‌داری بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (شامل سن شوهر، سن همسر، مدت ازدواج، تعداد فرزندان، تحصیلات زن و شوهر، شغل زن و شوهر، تفاوت سنی زن و شوهر) زوج‌های سازگار و ناسازگار وجود دارد.

روش پژوهش

جامعه آماری: جامعه آماری زوج‌های سازگار، شامل افراد متأهلی بوده که در مردادماه ۱۳۷۹ در شهر تهران زندگی می‌کردند و در حال ادامه زندگی خود بودند و جامعه آماری زوج‌های ناسازگار نیز شامل افراد متأهلی بود که در شهر تهران زندگی می‌کردند و در مردادماه ۱۳۷۹ جهت طلاق به مجتمع قضایی خانواده مراجعه کردند.

حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری: از شیوه نمونه‌گیری در دسترس در این پژوهش استفاده به عمل آمده است. بدین ترتیب که از کلیه زوج‌های ناسازگار مراجعه کننده به مجتمع قضایی خانواده، ۴۰ زوج (۴۰ شوهر و ۴۰ همسر) انتخاب شدند. از بین کلیه زوج‌های متأهل در شهر تهران نیز ۴۰ زوج (۴۰ شوهر و ۴۰ همسر) جهت مقایسه با شیوه تصادفی انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند.

ابزار پژوهش: از دو پرسشنامه مشکلات زناشویی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی استفاده به عمل آمده است، پرسشنامه مشکلات زناشویی حاوی ۵۸ سوال بود که پنج حیطه تصمیم‌گیری در مسائل مشترک، اوقات فراغت، روابط جنسی، روابط بین فردی و انگیزه‌های ازدواج را شامل می‌گردید. بنی اسدی (۱۳۷۵) در ساخت این پرسشنامه ۴ مقوله اول را بر اساس موارد طرح شده توسط بک (۱۳۷۵) انتخاب نموده است. بک (۱۳۷۵) در باب روایی حیطه‌های مزبور می‌افزاید به هنگام مراجعه زوج‌هایی که از مشکلات زناشویی رنج می‌بردند. از این مقوله‌ها (پاره آزمون‌ها) برای تشخیص حوزه اختلافات زوج‌ها و آگاهی دادن نسبت به مشکلات‌شان استفاده نموده است. پاره آزمون انگیزه‌های ازدواج نیز بر اساس نتایج و یافته‌های تحقیقات پیمایشی قبلی انتخاب و در کنار چهار مقوله یاد شده، استفاده گردیده است. اطلاعات مربوط به ویژگی‌هایی از قبیل سن، مدت ازدواج و... توسط پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری گردید.

پایانی پرسشنامه: ضریب پایانی پرسشنامه مشکلات زناشویی توسط بنی اسدی (۱۳۷۵) در شهر کرمان ۰/۷۶ گزارش شده است. برای بررسی پایانی پرسشنامه در این تحقیق از روش محاسبه همسانی درونی استفاده شد. در مقوله تصمیم‌گیری در مسائل مشترک، ضریب آلفای ۰/۷۵ بدست

آمد. هم‌چنین به ترتیب برای مقولات اوقات فراغت، روابط جنسی، روابط بین فردی و انگیزه‌های ازدواج ضریب آلفا به ترتیب برابر با ۰/۸۵، ۰/۴۳، ۰/۸۹، ۰/۸۲ به دست آمد.

نمره‌گذاری: ضریب همبستگی بین نمرات زوجین در سؤالات هر پاره آزمون نمره سازگاری آن زوج در آن پاره آزمون را تشکیل می‌داد.

روش تحلیل داده‌ها: از تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا)^۱ برای مقایسه زوج‌های سازگار و ناسازگار و از تحلیل تمایزات جهت پیش‌بینی عضویت گروهی (سازگار و ناسازگار) و دستیابی به معادله ممیز، استفاده به عمل آمد. نکته قابل ذکر این که غالباً نتایج تحلیل تمایزات^۲ با تحلیل واریانس چند متغیری یکسان است ولی از تحلیل تمایزات علاوه بر دستیابی به تفاوت‌های گروهی می‌توان جهت پیش‌بینی نیز استفاده کرد. بر همین مبنا نیز در تحلیل تمایزات برخی مواقع متغیر مستقل و وابسته (نسبت به تحلیل واریانس چند متغیری) جابه‌جا می‌شوند (شارما، ۱۹۹۶).^۳

مزیت تحلیل‌های فوق نسبت به آزمون t در میزان خطای نوع اول می‌باشد. در حالی که در تحلیل مانوا یا تمایزات کل خطای نوع اول از ۵ درصد تجاوز نمی‌کند، اگر با استفاده از آزمون t دو گروه از نظر ۱۰ متغیر مقایسه گردند میزان خطای نوع اول حداکثر ممکن است به ۵۰ درصد برسد. لذا تحلیل مانوا نسبت به آزمون t از نظر میزان خطای نوع اول ارجحیت دارد.

تفاوت بین تحلیل تمایزات و تحلیل رگرسیون گام به گام این است که در تحلیل تمایزات متغیر وابسته چند مقوله‌ای است. در این تحقیق متغیر وابسته دو مقوله‌ای بوده است (گروه سازگار و ناسازگار). در حالی که در تحلیل رگرسیون متغیر وابسته یک متغیر پیوسته می‌باشد. بدیهی است که از اهداف تحلیل تمایزات پیش‌بینی عضویت گروهی (سازگار و ناسازگار) بوده است، نه این که سهم هر متغیر در میزان سازگاری زناشویی (متغیر پیوسته) تعیین شود. در تحلیل مانوا هدف این بوده است که عضویت در گروه‌های سازگار و ناسازگار به چه میزان واریانس نمرات هر یک از متغیرها را تبیین می‌کند که در جدول ۱ به وسیله شاخص مجذور اتا نشان داده شده است. مجذور اتا در واقع با مجذور ضریب همبستگی مترادف است.

1. Multivariate analysis of variance (MANOVA)
2. Discriminant Analysis
3. Sharma

نتایج

نتایج تحلیل واریانس چند متغیری تأثیر عضویت گروهی (زوج‌های سازگار و ناسازگار) بر متغیرهای وابسته در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱- نتایج تحلیل واریانس چند متغیری تأثیر عضویت گروهی بر متغیرهای وابسته

متغیرهای وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	واریانس	ضریب F	معنی‌دار بودن	مجدورات یا میزان تفاوت	پارامتر غیرمرکزی	توان آماری
سن شوهر	۹/۸۰	۱	۹/۸	۰/۱۳	۰/۷۱	۰/۰۰۲	۰/۱۳	۰/۰۸
سن زن	۱۰/۵۰	۱	۱۰/۵	۰/۱۷	۰/۶۷	۰/۰۰۲	۰/۱۷	۰/۰۷
مدت ازدواج	۴۱	۱	۴۱	۰/۷	۰/۴	۰/۰۰۹	۰/۷	۰/۱۳
تعداد فرزندان	۰/۳۰	۱	۰/۳	۰/۱۸	۰/۶۶	۰/۰۰۲	۰/۱۸	۰/۰۷
تحصیلات شوهر	۱۱۷/۶۰	۱	۱۱۷/۶۰	۱۴/۳۴	۰	۰/۱۵	۱۴/۳۳	۰/۹۶
تحصیلات زن	۷۶	۱	۷۶	۹/۱۱	۰/۰۰۳	۰/۱۱	۹/۱۱	۰/۸۵
شغل شوهر	۳/۲۰	۱	۳/۲	۴/۴	۰/۰۴	۰/۰۵	۴/۴	۰/۵۴
شغل زن	۰/۴۵	۱	۰/۴۵	۲/۶	۰/۱۱	۰/۰۳	۲/۶	۰/۳۵
تفاوت سنی	۰/۰۱	۱	۰/۰۷/۰۰۱	۰	۰/۹۷	۰	۰/۰۰۱	۰/۰۵
سازگاری در اوقات فراغت	۰/۱۲	۱	۰/۱۲۰۳	۰/۸	۰/۳۷	۰/۰۱	۰/۷۹	۰/۱۴
سازگاری جنسی	۰/۶	۱	۰/۶	۴/۳۴	۰/۰۴	۰/۰۵	۴/۳۴	۰/۵۴
سازگاری در روابط	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۰/۵	۰/۴۸	۰/۰۰۶	۰/۵	۰/۱۱
سازگاری در انگیزه ازدواج	۰/۹	۱	۰/۹	۷/۶۴	۰/۰۰۷	۰/۰۹	۷/۶۴	۰/۷۸
سازگاری در تصمیم‌گیری	۲	۱	۲	۱۴/۳۸	۰	۰/۱۶	۱۴/۴	۰/۹۶

فرضیه ۱: بین میانگین نمرات سازگاری در تصمیم‌گیری دو گروه زوج‌های سازگار و ناسازگار تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

چنانچه در جدول (۱) مشاهده می‌شود این تفاوت معنی‌داری است ($P=0$). لذا فرضیه ۱ تأیید می‌گردد. میزان این تفاوت ۰/۱۶ است. یعنی ۱۶ درصد واریانس یا تفاوت‌های فردی در نمرات سازگاری در تصمیم‌گیری مربوط به عضویت گروهی در گروه سازگار و ناسازگار است. توان آماری برابر ۰/۹۶ است. یعنی احتمال صحت این نتیجه‌گیری ۰/۹۶ درصد است و فقط ۴ درصد احتمال داشته است، فرضیه صفر اشتباهاً تأیید شود.

فرضیه ۲: بین میانگین نمرات سازگاری در انگیزه ازدواج دو گروه زوج‌های سازگار و ناسازگار تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

چنانچه در جدول (۱) ردیف (۱۳) مشاهده می‌شود، این تفاوت معنی‌دار است ($P = ۰/۰۰۷$). لذا فرضیه ۲، با توان آماری ۰/۷۸ تأیید گردید. میزان تفاوت مزبور، ۰/۰۹ می‌باشد.

فرضیه ۳: بین میانگین نمرات سازگاری در روابط فردی دو گروه زوج‌های سازگار و ناسازگار تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

چنانچه در جدول (۱) ردیف (۱۲) مشاهده می‌شود، این تفاوت معنی‌دار نیست. لذا فرضیه ۳ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

فرضیه ۴: بین میانگین نمرات سازگاری جنسی دو گروه زوج‌های سازگار و ناسازگار تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

چنانچه در جدول (۱) ردیف (۱۱) مشاهده می‌شود، این تفاوت معنی‌دار است ($P = ۰/۰۴$). لذا فرضیه چهارم تأیید می‌شود. میزان این تفاوت ۰/۰۵ و توان آماری ۰/۵۴ می‌باشد. توان آماری به معنای آن است که با ۵۴ درصد اطمینان این تفاوت (در سازگاری جنسی) وجود دارد.

فرضیه ۵: تفاوت معنی‌داری بین سازگاری در اوقات فراغت زوج‌های سازگار و ناسازگار وجود دارد.

چنانچه در جدول (۱) ردیف (۱۰) مشاهده می‌شود، این تفاوت معنی‌دار نیست، لذا فرضیه ۵ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

فرضیه ۶: تفاوت معنی‌داری بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، زوج‌های سازگار و ناسازگار وجود دارد.

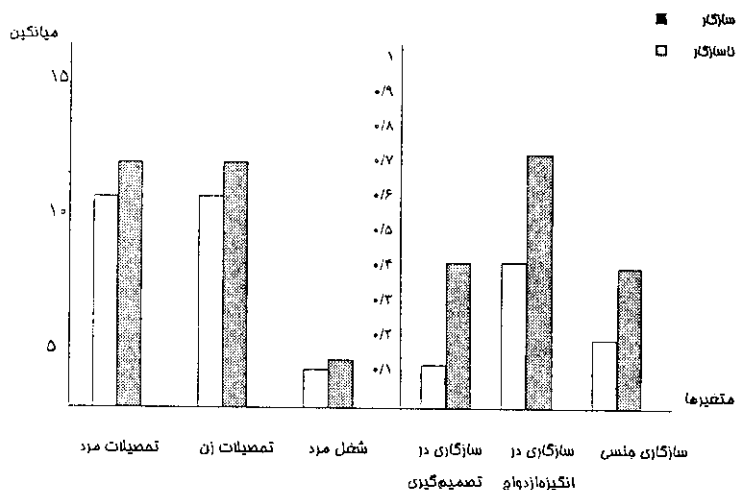
چنانچه در جدول (۱) مشاهده می‌شود، تحصیلات شوهر ۱۵ درصد تفاوت ($P = ۰$)، تحصیلات زن ۱۱ درصد تفاوت ($P = ۰/۰۰۲$) و شغل مرد ۵ درصد تفاوت ($P = ۰/۰۳$) را بین زوج‌های سازگار و ناسازگار نشان می‌دهد. لذا فرضیه ۶ در این موارد تأیید می‌گردد. در سایر متغیرها یعنی سن شوهر، سن زن، طول ازدواج، تعداد فرزندان، شاغل بودن زن و تفاوت سنی تفاوتی بین زوج‌های

سازگار و ناسازگار وجود ندارد. میانگین نمرات دو گروه سازگار و ناسازگار (در متغیرهایی که تفاوت معنادار بوده، در جدول ۲ و نمودار مقایسه آن) در نمودار ۱ ارائه شده است.

جدول ۲- میانگین نمرات دو گروه سازگار و ناسازگار در متغیرهایی که تفاوت معنی دار است.

گروه سازگار		گروه ناسازگار		متغیرهای معنی دار
میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	
۱۳/۵۵	۲/۶۹۸	۱۱/۱۲۵	۳/۰۳۹۸	تصیلات مرد
۱۲/۸۵	۲/۶۷۵	۱۰/۹۰	۳/۰۸۶	تصیلات زن
۲/۹۲۵	۰/۷۲۹	۲/۵۲۵	۰/۹۶۰	شغل مرد
۰/۴۲۵	۰/۴۲۳	۰/۱۰۷	۰/۳۲۰	سازگاری در تصمیم گیری
۰/۶۵۵	۰/۳۸۰	۰/۴۴۴	۰/۲۹۸	سازگاری در انگیزه ازدواج
۰/۳۸۵	۰/۴۰۸	۰/۲۱۲	۰/۳۳۰	سازگاری جنسی

چنانچه در جدول ۲ ملاحظه می شود، در کلیه متغیرهایی که میان زوج های سازگار و ناسازگار تفاوت معناداری وجود داشت، میانگین زوج های سازگار بیشتر از زوج های ناسازگار است. تفاوت در میانگین ها در نمودار ۱ ارائه شده است.



نمودار ۱ - میانگین گروه های سازگار و ناسازگار در ۶ متغیر معنی دار

به منظور تشخیص عوامل خطر مرتبط با ناسازگاری زناشویی و پیش‌بینی احتمال ناسازگاری در زوج‌ها، داده‌ها مورد تحلیل تمایزات قرار گرفت. در این تحلیل متغیرهای معنی‌دار (شش متغیر مندرج در جدول ۲) وارد معادله پیش‌بینی گردیدند و ضرایب رگرسیون به شرح زیر به دست آمد.

$$Y = -4/92 - 1/62 \text{ AdJd} + 0/904 \text{ AdJM} + 0/674 \text{ Adjs} + 0/387 \text{ Hj} + 0/16 \text{ Wed} + 0/067 \text{ Hed}$$

نقطه برش سازگاری و ناسازگاری برای نمرات ممیز در این معادله صفر می‌باشد. به این ترتیب که اگر نمرات یک زوج در این معادله قرار داده شود و نمره ممیز به دست آمده مثبت باشد، پیش‌بینی می‌شود آن زوج سازگار خواهند بود و اگر منفی باشد پیش‌بینی می‌شود ناسازگار خواهند بود. علاوه بر آن احتمال سازگاری و ناسازگاری زوج‌های هنجاریابی شده به وسیله کامپیوتر محاسبه گردید که نمونه‌ای از آن در جدول ۳ ارائه شده است. هم‌چنین قدرت پیش‌بینی معادله ممیز برابر با ۰/۸ محاسبه گردیده است.

جدول ۳ - پیش‌بینی عضویت گروهی و احتمال سازگاری و ناسازگاری زوج‌ها در گروه هنجاریابی

نمرات ممیز	احتمال تعلق به گروه بعدی	احتمال تعلق به گروه پیش‌بینی شده	سازگار = ۱	ناسازگار = ۲	ردیف
			گروه پیش‌بینی شده	گروه واقعی	
۰/۶۴	۰/۲۸	۰/۷۲	۱	۱	۱
۱/۰۸	۰/۱۷	۰/۸۳	۱	۱	۲
۲/۲۵	۰/۰۴	۰/۹۶	۱	۱	۳
۰/۵۲	۰/۳۲	۰/۶۸	۱	۱	۴
۱/۵۳	۰/۱۰	۰/۹۰	۱	۱	۵
۰/۲۱	۰/۴۳	۰/۵۸	*۲	۱	۶

*خطای پیش‌بینی

قدرت پیش‌بینی: ۰/۸

۱. Y: نمرات ممیز; Hed: تحصیلات شوهر; Wed: تحصیلات زن; Hj: شغل شوهر; Adjs: سازگاری جنسی; AdJM:

سازگاری در انگیزه ازدواج; AdJd: سازگاری در تصمیم‌گیری;

ضرایب همبستگی بین عوامل خطر و نمرات ممیز سازگاری و ناسازگاری به ترتیب اهمیت در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴ - ضرایب همبستگی بین متغیرهای معنی دار و عضویت گروهی زوجها

همبستگی	متغیرها	ردیف
۰/۵۸۳	سازگاری در تصمیم گیری	۱
۰/۵۸۰	تحصیلات شوهر	۲
۰/۴۶۴	تحصیلات زن	۳
۰/۴۲۵	سازگاری در انگیزه ازدواج	۴
۰/۳۲۳	شغل شوهر	۵
۰/۳۲۱	سازگاری جنسی	۶

چنانچه در جدول ۴ مشاهده می شود. این متغیرها به ترتیب اهمیتی که در ناسازگاری زوجها دارند، ارائه شده اند.

نمرات کل سازگاری دو گروه نیز مورد تحلیل تمایزات قرار گرفت و معادله زیر به دست آمد:

$$y = ۴/۲۱ \text{ Totaladj} + ۰/۵۵ \text{ Hed} + ۰/۱۴ \text{ Wed} + ۰/۴۲ \text{ Hj} - ۵/۱$$

چنانچه نمرات یک زوج در این معادله قرار داده شود و حاصل آن مثبت باشد پیش بینی می شود آن زوج سازگار و اگر منفی باشد ناسازگار خواهند بود.

بحث و نتیجه گیری

زوج های ناسازگار از لحاظ سازگاری تصمیم گیری در مسائل مشترک زناشویی با زوج های ناسازگار تفاوت داشتند (جدول ۱). میشل (۱۹۷۱) در مطالعات خود نشان داده، زنانی که در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری های مربوط به بودجه، وسایل مسکن، تعداد فرزندان و تحصیلات

فرزندان با شوهران خود مشارکت دارند، از زندگی خود راضی‌تر هستند. یافته‌های اون و اورتر (۱۹۸۳) و بنی‌اسدی (۱۳۷۵) نیز گویای آن است که میان تصمیم‌گیری در مسائل مشترک زناشویی و سازگاری رابطه وجود دارد. زوج‌هایی که با هم سازگاری دارند، هنگام تصمیم‌گیری در مسائل مشترک، بیشتر با یکدیگر تبادل نظر و تشریک مساعی دارند و نسبت به زوج‌های ناسازگار بیشتر از عقاید هم استفاده کرده و به عقاید یکدیگر احترام می‌گذارند. از طرفی همسو با الگوی نارسایی‌های حل مسأله و تصمیم‌گیری در روابط زناشویی، توانایی و به کارگیری مهارت‌های حل مسأله و تصمیم‌گیری دارای اهمیت بسزایی در سازگاری زناشویی است. ناتوانی در حل مسأله و تصمیم‌گیری مشترک، ریشه در بسیاری از ناسازگاری‌هایی دارد که بین زوجین پدیدار می‌شود، به ترتیبی که زوجین به هنگام بروز اختلاف نظر با یکدیگر و هم‌چنین هنگام تصمیم‌گیری در مسائل مشترک خانوادگی و زناشویی به جای به کارگیری یا اتخاذ تصمیمات مشترک مناسب، به راهبردهای غیر مؤثر متوسل می‌شوند. این رویه به ترتیب و تدریج موجب بروز نارضایتی و ناسازگاری می‌شود.

بین دو گروه زوج‌های سازگار و ناسازگار در انگیزه‌های ازدواج (جدول ۱) نیز تفاوت وجود داشت. یافته‌های بنی‌اسدی (۱۳۷۵) نیز مؤید نتایج این پژوهش است، انگیزه‌های ازدواج به مثابه یکی از عوامل مقدم بر ازدواج، نقش تعیین‌کننده‌ای بر کیفیت سازگاری زناشویی دارد. به طور مشخص تشابه و همسانی انگیزه‌های ازدواج بین زوجین می‌تواند بر کیفیت مطلوب‌تر سازگاری و رابطه زناشویی آنها تأثیر بگذارد. از سوی دیگر با افزایش تفاوت در انگیزه‌های ازدواج هر یک از طرفین، وقوع ناسازگاری را می‌توان تا حدودی پیش‌بینی نمود. به عبارتی دیگر همان‌گونه که ملکی (۱۳۷۶) نیز در یافته‌های خود تأکید نمود، همانندی ویژگی‌های روانی که همانندی انگیزه‌های مربوط به ازدواج نیز در آن نهفته است، می‌تواند منجر به تجربه ناکامی پس از ازدواج شود. در واقع با وجود تفاوت‌های فاحش در انگیزه‌های ازدواج، احتمال ناهمخوانی رفتاری زوجین در روابط بین فردی افزایش می‌یابد که این خود در کنار عوامل دیگر به تشدید ناسازگاری منجر می‌شود.

زوج‌های سازگار و ناسازگار از نظر سازگاری در روابط بین فردی (جدول ۱) با یکدیگر تفاوتی نداشتند. یافته‌های فاین‌برگ و همکاران (۱۹۷۵)، جان و گاتمن (۱۹۷۶) نشان می‌دهد که

رفتارهای ارتباطی زوج‌های سازگار بیشتر از زوج‌های ناسازگار بر مبنای گذشت و تکیه بر نکات مثبت طرف مقابل است، علاوه بر این که زوج‌های سازگار به نوعی در روابط بین فردی خود، در برداشت از منظور طرف مقابل، دچار تحریف‌شناختی هستند. کریستینسن و همکاران (۱۹۷۶) و آلبرتز (۱۹۸۹) نیز اشاره نموده‌اند که مهارت‌های ارتباطی یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم سازگاری است. بنابراین ناتوانی در برقراری ارتباط صحیح را از زمره مشکلات و ناتوانی‌ها معرفی کرده‌اند که به پیامدی مانند ناسازگاری و جدایی منجر می‌شود. عدم همخوانی یافته پژوهش حاضر با پژوهش‌های یاد شده متأثر از عوامل چندی است. مهارت‌های ارتباطی و سازگاری در روابط بین فردی تنها یکی از عوامل مطرح در ناسازگاری است که ممکن است در گروه تحت مطالعه در قیاس با عوامل دیگر اهمیت کم‌تری داشته باشد. در عین حال شرایط خاص زوج‌های ناسازگار که در هنگام مراجعه به مجتمع قضایی خانواده مورد سوال قرار گرفته‌اند. ممکن است مانعی جهت پاسخ‌گویی دقیق آنها بوده باشد.

میان سازگاری در روابط جنسی زوج‌های سازگار و ناسازگار تفاوت وجود داشت (جدول ۱). روابط جنسی از طرفی خاستگاه بسیاری از مشکلات مربوط به سازگاری است و از طرفی دیگر خود متأثر از حیطه‌های دیگر روابط زناشویی مانند حیطه روانی و عاطفی نیز می‌تواند باشد. یافته‌های بنی‌اسدی (۱۳۷۵) و کوپک و همکاران (۱۹۹۲) نیز نشان می‌دهد که روابط جنسی با سازگاری زناشویی علاوه بر این که رابطه دارد، از نظر کیفیت در میان زوج‌های سازگار و ناسازگار نیز متفاوت است. علیرغم این که بعد جنسی روابط و سازگاری زناشویی تنها یکی از ابعاد مطرح در کیفیت سازگاری زوجین است، ولی می‌توان بر پایه یافته‌های این پژوهش اذعان نمود که به طور نسبی از اهمیت خاصی برخوردار است. نکته قابل ذکر این که، روابط جنسی در تعامل با ابعاد دیگر روابط زناشویی سهمی در سازگاری کلی ایفاء می‌کند.

زوج‌های سازگار و ناسازگار از نظر تحصیلات شوهر، تحصیلات همسر و شغل مرد نیز تفاوت‌هایی داشتند، ولی از نظر سن شوهر، سن زن، طول ازدواج، تعداد فرزندان، شاغل بودن زن و تفاوت سنی زوجین، با یکدیگر تفاوتی نداشتند، صدق‌آمیز (۱۳۷۶) بر رابطه میان متغیرهایی مانند تحصیلات شوهر و همسر و... با سازگاری زناشویی اشاره نموده است. تحصیلات شوهر و

همسر عاملی در سازگاری زناشویی با افزایش توانمندی‌های مقابله‌ای با موقعیت‌های مختلف است. با افزایش تفاوت تحصیلاتی زوجین، می‌توان انتظار داشت تا نوع نگرش و رفتار آنها با شرایط و موقعیت‌های حساس تغییر کند. از سویی دیگر هنگامی که تحصیلات زوجین با یکدیگر تفاوت زیادی دارد، میزان درک و تفاهم متقابل و روابط بین فردی آنها ممکن است کیفیتی متفاوت نسبت به زمانی که تحصیلات زوجین به یکدیگر نزدیک‌تر است، داشته باشد. درک و تفاهم متقابل نیز خود می‌تواند در برقراری ارتباط صحیح نقش ایفاء نماید. از نظر شغل مرد نیز می‌توان این‌گونه استنباط نمود که در جامعه ایران غالباً مردان نقش تأمین‌کننده خانواده را بر عهده دارند. بالا رفتن پایگاه شغلی مرد، امکان تأمین بهتر نیازهای خانواده فراهم می‌شود. پایگاه شغلی مردان با سطح تحصیلات آنها ارتباط دارد. یعنی با افزایش سطح تحصیلات، امکان به دست آوردن پایگاه شغلی مناسب‌تر فراهم‌تر می‌گردد، و بدین وسیله باعث افزایش سازگاری می‌شود.

در تحلیل تمایزات بین زوج‌های سازگار و ناسازگار نیز مشخص گردید که تحصیلات مرد و زن، شغل مرد، سازگاری در تصمیم‌گیری، سازگاری در انگیزه ازدواج و سازگاری جنسی از اهمیت بالایی در پیش‌بینی سازگاری برخوردار بودند. در این تحلیل به ترتیب سازگاری در تصمیم‌گیری، تحصیلات شوهر، تحصیلات زن، سازگاری در انگیزه ازدواج، شغل مرد و سازگاری جنسی دارای بالاترین ضریب همبستگی با سازگاری یا ناسازگاری بودند. عدم تشابه و همسانی در عوامل ششگانه فوق از زمره عوامل خطر پیش‌بینی شده برای فرجام ناخوشایند ازدواج هستند. علاوه بر این همان‌گونه که در تحلیل تمایزات مشخص است، مجموعه‌ای از عوامل زناشویی و جمعیت‌شناختی در نظامی یک‌پارچه سازگاری یا ناسازگاری را پیش‌بینی می‌کنند.

منابع

- استافورد. ل. و بهیر، ج. تعامل والدین و کودکان، ترجمه محمد دهگان‌پور و مهرداد خرازچی، چاپ اول، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۷۷.
- بک، آر. ت. عشق هرگز کافی نیست، ترجمه مهدی قراچه داغی، چاپ دوم، تهران: انتشارات پیکان، صص: ۱۳۵-۷، ۱۳۷۸.

بنی‌اسدی، ح. بررسی و مقایسه عوامل فردی، اجتماعی و شخصیتی در زوج‌های سازگار و ناسازگار شهر کرمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵.

سعیدی رضوانی، ن. مقایسه دیدگاه دختران و پسران دانشجو درباره همسرگزینی و ازدواج، رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۱۷، صص ۴۹-۳۸، ۱۳۷۲.

صدق‌آمیز، خ. بررسی عوامل موثر بر سازگاری زناشویی در شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم انسانی، دانشکده تحصیلات تکمیلی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

کیهان‌نیا، ا. زن امروز، مرد دیروز، تحلیلی بر اختلافات زناشویی، چاپ اول، تهران: انتشارات روشنفکران و مطالعات زنان، ۱۳۷۵.

ملکی، ی. بررسی و مقایسه ویژگی‌های شخصیتی مزدوجین سازگار و ناسازگار در همسران شاهد شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۶.

دانیل، ج. راهنمایی ازدواج، ترجمه بهزاد رحمتی، چاپ اول، تهران: دنیای کتاب، صص: ۲۲۳-۴، ۱۳۷۲.

هاوتون، کک. و کرک، ح. و سالکووس کیس، پ. م. و کلارک، د. م. رفتاردرمانی شناختی -

جلد دوم، ترجمه: حبیب‌الله قاسم‌زاده، چاپ اول، تهران: انتشارات ارجمند، ۱۳۷۸.

Alberts, J. K. Perceived effectiveness of couples conversational complaints. *Communication Studies*, PP. 280-291, 1989.

Christensen, M. & Larry, S. and Lee, J. Perceptual accuracy as a variable in marital adjustment, *Journal of Sex and Marital Therapy*, N: 2, PP: 130-136, 1976.

Epstein, N. Depression and Marital Dysfunction: cognitive and behavioural linkage, *International Journal of Mental Health*, N: 13 (3-4), PP: 86-104, 1985.

- Fineberg, M. & Others. Affect and status dimensions of marital adjustment, *Journal of Marriage and the Family*, N: 37 (1), PP: 155-160, 1975.
- Fincham, F. D. and Bradbury, T. N. Attribution in marriage, review and critique, *Psychological Bulletin*, N: 107 (1), PP: 3-33, 1990.
- Gottman, J. M. *Marital interaction: experimental investigation*, New York: Academic Press, 1976.
- Jacobson, N. S. & Waldren, H. and Moore, D. Toward a behavioural profile of marital distress. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, N: 48, PP: 696-703, 1980.
- Jhon, M. & Gottman, S. Predicting the longitudinal course of marriage. *Journal of Marital and Family Therapy*, N: 17 (1), PP: 3-7, 1976.
- Koepke, C. & Leslie, J. and Others. Relationship quality in couples, *Family Relations*, N: 41 (2), PP: 224-229, 1992.
- Michel, A. Role Masculins – Feminin in family information surless science, *Social Ferros*, N: 27 (4), PP: 123-129, 1971.
- Owen, B. & Orther, J. Sex role congruency & marital quality, *Journal of Marriage & Family*, N: 45 (1), PP: 33-46, 1983.
- Paris, O. & Lucky, A. Longitudinal study of marital satisfaction. *Sociology & Social Research*, N: 50, PP: 212-216, 1991.
- Scott, M. A Cognitive – Behavioural approach to clients problems, First Published, by Routledge, 1989.
- Sharma, S. *Applied multivariate techniques*, New York: John Wiley & sons. 1996.
- Spiegler. M. & Guerremont, D. *Contemporary behaviour therapy*, Third Edition, Brook / Cole Publishing Company, 1998.
- Weiss, R. L. The Conceptualization of marriage from a behavioural perspective, In: T. J. Paolino and B. S. Mccrady (Eds), *Marriage and marital therapy: psychoanalytic, behavioural and system theory perspective* (165-239), New York: Brunner Mazel.